خاطره

مروری بر عملیات کربلای ۶ در دی ۱۳۶۵

انهدام ۱۱ جنگنده دشمن در ۳ روز

■ علیرضا محمدی

عملیات کربلای ۶ در دی ۱۳۶۵ به دلیل کم کردن فشار دشمن بر رزمندگان حاضر در عملیات کربلای ۵ انجام گرفت. ساعت ۲۲ و ۳۰ دقیقه شامگاه ۲۳ دی ماه، رزمندگان ارتشی که در جبهه غرب و شمال سومار تجمع کرده بودند، با شنیدن رمز «یا فاطمه الزهرا(س)» عملیات خود را برای آزادسازی ارتفاعات این منطقه آغاز کردند.

■■■

■ **گشایش جبهه جدید**

زمان آغاز عملیات کربلای ۶، چهار روز از انجام عملیات سخت و نفسگیر کربلای ۵ در منطقه شلمچه می‌گذشت. به دلیل حساسیت‌های منطقه عملیاتی کربلای ۵، دشمن هرچه توان داشت روی مقابله با نیروهای عمل کننده در شلمچه به کار بسته بود، بنابراین فرماندهان تصمیم گرفتند با انجام یک عملیات دیگر در منطقه غرب کشور، از فشار دشمن بر رزمندگان در جبهه جنوب و منطقه شلمچه کم کنند. به همین دلیل ارتش مأموریت یافت در منطقه بلندی‌های منطقه سومار و نفت شهر عملیات انجام دهد و علاوه بر آزادسازی بخشی از ارتفاعات این منطقه، در تداوم آن به سمت نفتخانه عراق پیشروی و جبهه جدیدی برای دشمن باز کند.

■ **تصرف ارتفاعات منطقه**

رزمندگان ارتشی در شب عملیات با عبور از میدان‌های مین دشمن پیشروی برق آسایی داشتند. آنها توانستند چند ارتفاع مهم منطقه را از دشمن پس بگیرند، اما با روشنایی هوا، بعثی‌ها پاتک‌های سنگین خود را اجرا کردند. روز ۲۴ دی ماه نبردهای شدیدی انجام گرفت، اما این پایان کار نبود و دشمن با تجمیع نیروهایش در روز ۲۵ دی ماه پاتک‌های دیگری تدارک دید. عراقی‌ها در آن روز چند پاتک انجام دادند که هر بار با مقاومت رزمندگان روبه‌رو شدند. در این درگیری‌ها، پل رودخانه کنگاکوش نیز به تصرف نیروهای خودی درآمد و از نیروهای بعثی تعداد قابل توجهی کشته و مجروح شدند.

■ **سقوط ۱۱ جنگنده دشمن**

بعد از چند روز نبرد شدید که گاه به رویارویی تن به تن منجر می‌شد، رزمندگان ارتش توانستند ۴۰ کیلومتر از خاک کشورمان را آزاد کنند. هرچند عملیات به همه اهداف از پیش تعیین شده دست نیافت، ولی با درگیر کردن نیروهای دشمن در منطقه غرب، از فشار روی نیروهای عمل کننده در شلمچه و منطقه عملیاتی کربلای ۵ کاسته شد، اما یکی از دستاوردهای مهم این عملیات، انهدام ۱۱ فروند هواپیمای دشمن بود. همچنین دو فروند بالگرد، ۲۰ دستگاه تانک و نفربر، ۱۰ فروند قایق (از این قایق‌ها در مناطق دیگر استفاده می‌شد) و چندین انبار مهمات و تعداد زیادی خودروی عراقی منهدم شدند. انهدام تسلیحات و قوای دشمن بخشی از اهداف عملیات کربلای ۶ بود که با موفقیت به انجام رسید و منجر شد ارتش بعث عراق از این نیروها در جبهه جنوب استفاده نکند.

■ **جنگ رسانه‌ای دشمن**

یکی از ویژگی‌های عملیات کربلای ۶ این بود که بعد از پایان عملیات، بعثی‌ها اینطور تبلیغ می‌کردند که هدف ایران از انجام این عملیات آزادسازی نفت شهر بود در حالی که آزادی این شهر جزء اهداف عملیاتی نبود و ستاد تبلیغات جنگ هم همان زمان اعلام کرد هدف از این عملیات آزاد کردن نفت‌شهر نبود بلکه هدف گرفتن بعضی از ارتفاعات و مناطق بود که این امر در منطقه سومار و نزدیک نفت‌شهر محقق شد. در واقع ایران می‌خواست با انجام عملیات کربلای ۶ توان عملیاتی نیروهایش را به رخ دشمن بکشد و نشان دهد در آن واحد می‌تواند در یک زمان دو عملیات انجام دهد. در همان زمان که کربلای ۵ در جنوب انجام می‌شد، کربلای ۶ هم در غرب انجام گرفت و به موفقیت‌هایی دست یافت.

بعثی‌ها اینطور تبلیغ می‌کردند که هدف ایران از انجام کربلای ۶ آزادسازی نفت شهر بود در حالی که آزادی این شهر جزء اهداف عملیاتی نبود و ستاد تبلیغات جنگ هم همان زمان اعلام کرد هدف از این عملیات آزاد کردن نفت‌شهر نبود بلکه هدف گرفتن بعضی از ارتفاعات و مناطق بود که این امر در عملیات محقق شد

گفت‌وگوی «جوان» با جانباز عباسعلی رحیم منفرد پیرامون رشادت‌های شهید حسین اسکندرلو فرمانده گردان حضرت علی اصغر(ع)

سخنرانی حاج حسین در شب شهادتش عاشورایی بود

جانباز منفرد نفر اول ایستاده از چپ در کنار رزمندگان لشکر ۱۰ سیدالشهدا(ع)

■ زینب محمودی عالمی

جانباز عباسعلی رحیم منفرد از همرزمان سردار شهید حاج حسین اسکندرلو فرمانده گردان حضرت علی اصغر(ع) از تیپ ۱۰ سیدالشهدا(ع) است. رحیم منفرد معتقد است از حاج حسین اسکندرلو به آن اندازه که در جبهه‌های دفاع مقدس تأثیرگذار بوده، یاد نمی‌شود. شهید اسکندرلو متولد ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۱ در جنوب تهران بود و دقیقاً ۲۴ سال بعد در روز ۱۲ اردیبهشت سال ۶۵ در عملیات سیدالشهدا(ع) و در منطقه فکه بر اثر اصابت گلوله مستقیم دوشکای دشمن به شهادت رسید. با گذری به فعالیت‌های شهید اسکندرلو می‌بینیم که بعد از پیروزی انقلاب مدتی در کمیته انقلاب اسلامی بود و بعد از آن عضو سپاه در گردان ۷ پادگان امام حسین(ع) شد. با شروع جنگ راهی جبهه شد و در سمت‌هایی چون معاون گردان حنین، عضو شورای فرماندهی سپاه سرپل ذهاب، مسئول بسیج سپاه غرب و فرمانده گردان‌های سلمان، زهیر و حضرت علی اصغر(ع ۹ بود و نهایتاً با سمت فرماندهی همین گردان به شهادت رسید.

شما در چند سالگی و چه زمانی به جبهه رفتید؟

من متولد سال ۴۷ در شهریار هستم. سال ۱۳۶۴ که نوجوان ۱۷ ساله و دانش‌آموز دبیرستان بودم به عنوان داوطلب بسیجی از طریق تیپ ۱۰ سیدالشهدا(ع) به جبهه اعزام شدم. ابتدا ما را به اردوگاه کوثر اهواز بردند و در گردان زهیر مشغول خدمت شدیم تا اینکه به منطقه عملیاتی فاو اعزام شدیم. در ادامه عملیات والفجر ۸ در منطقه فاو عراق وارد عمل شدیم. خط مقدم این عملیات دو جاده ۱۰ متری در داخل دریاچه نمک بود. وقتی به آن منطقه رفتیم خط مقدم را تحویل گرفتیم. منطقه محل استقرار ما کلاً یک جاده به عرض ۱۰ متر بود. هر آن دشمن می‌توانست ما را دور بزند و از داخل دریاچه نمک به پشت خط مقدم بیاید. منطقه سختی بود. چند روز با سایر گردان‌های تیپ ۱۰ سیدالشهدا(ع) آنجا بودیم. بعد از اتمام مأموریت برگشتیم.

در این زمان هنوز با شهید اسکندرلو آشنا نشده بودید؟

ایشان فرمانده گردان حضرت علی اصغر(ع) از تیپ ۱۰ سید الشهدا(ع) بودند. ما بعد از عملیات والفجر ۸ و مدتی حضور در فاو، در شب عید نوروز سال ۱۳۶۵ به پادگان دوکوهه در اندیمشک برگشتیم و از آنجا به کنار رودخانه دز برای آموزش آبی خاکی منتقل شدیم. در این زمان من رزمنده گردان حضرت علی اصغر(ع) به فرماندهی شهید اسکندرلو شدم و از همانجا افتخار همراهی‌شان به عنوان یک نیروی گردان نصیبم شد. از آغاز سال ۶۵ و با هجوم مجدد ارتش بعث عراق که در قالب استراتژی دفاع متحرک انجام شد، مناطقی مثل مهران، شرهانی، فکه و سایر مناطق مرزی از سوی دشمن تصرف شدند، بنابراین فرماندهان تصمیم گرفتند برای آزادسازی منطقه فکه، از تیپ ۱۰ سیدالشهدا(ع) استفاده کنند. در عملیاتی که طرح‌ریزی و به عنوان عملیات «سیدالشهدا(ع)» هم نامگذاری شد، گردان‌هایی مثل گردان حضرت علی اصغر(ع) و حضرت علی اکبر(ع) و سایر گردان‌های تیپ ۱۰ سیدالشهدا(ع) حاضر بودند. در زمان این عملیات، من دو ماه در گردان شهید اسکندرلو بودم. ایشان را در آن مدت انسان بسیار با تقوی، نترس و شجاع دیدم. به شدت انسان معنوی و توانمندی بود و سابقه طولانی در جبهه داشت. ۱۸ روز بعد از جنگ وارد جبهه شده بود و سال ۶۵ به شهادت رسید. او حدود پنج، شش سال مداوم در عملیات‌های مختلف حضور داشت. فرمانده قابلی بود. در تیپ سیدالشهدا(ع) فرماندهی ایشان زبانزد بود و همه علاقه‌مند بودند در گردان ایشان خدمت کنند. هرچند متأسفانه خیلی از حضورم در گردان حاج حسین نگذشته بود که ایشان در عملیات سیدالشهدا(ع) به شهادت رسید.

گویا شما هم در همین عملیات مجروح شدید؟

بله، من در عملیات سیدالشهدا(ع) از ناحیه دست، سینه و زانوی چپ مجروح شدم و الان ۵۰ درصد جانبازی دارم. بعد از مجروحیت دیگر نتوانستم به جبهه برگردم. عملیات سیدالشهدا(ع) بسیار سخت و خونین بود. در این عملیات تیپ ۱۰ دو نفر از قدرترین فرماندهان گردانش به نام‌های شهید حاج حسین اسکندرلو و حاج حسن حسنیان را از دست داد و هر دو به شهادت رسیدند.

در عملیات سیدالشهدا(ع) چه گذشت؟

این عملیات در منطقه فکه واقعاً عملیات سختی بود. تعداد زیادی شهید و مجروح دادیم؛ چون عراق موفق شده بود تحت یکسری عملیات با عنوان دفاع متحرک، مناطق مرزی ما مثل شهر مهران را تصرف کند. مهران دو بار در زمان جنگ تحمیلی به اشغال عراق درآمد. یک بار در سال ۶۵ که همراه سایر مناطق مثل شرهانی و فکه شد و یک بار هم اوایل جنگ تصرف شده بود. به هرحال اگر حماسه رزمندگان تیپ ۱۰ سیدالشهدا(ع) در اردیبهشت ۶۵ نبود، دشمن می‌توانست جاده استراتژیک اندیمشک به اهواز را زیر دید و آتش توپخانه خودش قرار دهد. تقریباً تمام مسیرهای استراتژیک در جنوب از جاده اندیمشک - اهواز تغذیه می‌شدند. اگر دشمن به منطقه مسلط می‌شد می‌توانست شهرهایی مثل شوش را زیر آتش خود بگیرد. هر شهر یا منطقه‌ای اگر زیر آتش توپخانه قرار می‌گرفت، خواهی نخواهی تحت تسلط دشمن درمی‌آمد، اما ایثار رزمندگان در عملیات سیدالشهدا(ع) و شهادت بیش از ۱۵۰ نفر از رزمندگان تیپ ۱۰ باعث شد عراق زمین‌گیر شود و حدود یک ماه بعد هم از منطقه عقب‌نشینی کند. با خروج دشمن، منطقه فکه دوباره در اختیار رزمندگان خودی قرار گرفت.

نقش شهید اسکندرلو در عملیات سیدالشهدا(ع) چه بود؟

ایشان در این عملیات فرمانده ما بود. بسیار نقش محوری در عملیات داشت و با قدرت مدیریت شهید اسکندرلو بود که دشمن به رغم تعداد نفرات و تجهیزات بیشتر، در منطقه زمین‌گیر شد اما حاج حسین در این عملیات به شهادت رسید و پیکرش در منطقه ماند. یک ماه بعد از اینکه عراق از آن منطقه عقب‌نشینی کرد، پیکر شهدا از جمله شهید حسین اسکندرلو کشف و به عقب منتقل شد. شبی که عملیات سیدالشهدا انجام شد فرماندهان زمان بسیار کمی برای شناسایی منطقه داشتند. عراق در حال پیشروی بود و درنگ جایز نبود. بین زمان دستور این عملیات تا زمان اجرا شاید سه شب فاصله بود. نداشتن زمان عملیات را سخت می‌کرد. به هر حال با درایت فرماندهان در شب ۱۲ اردیبهشت ۶۵ وارد عمل شدیم و حدود شش کیلومتر پیاده‌روی کردیم تا به خط دشمن رسیدیم. از تاریکی شب که حتی مهتاب هم نبود بهره بردیم و توانستیم تا صدمتری خاکریز عراقی‌ها بدون اینکه متوجه شوند نفوذ کنیم. ساعت حدود یک بامداد بود که به صد متری دشمن رسیدیم و درگیری شروع شد. هرچند شهدای زیادی دادیم، اما توانستیم خط را از عراقی‌ها پس بگیریم و دشمن را عقب برانیم. اگر رشادت و جوانمردی رزمندگان نبود عراق می‌توانست پیشروی کند و قسمت وسیعی از منطقه عملیاتی فکه را تحت سیطره‌اش بگیرد. حاج علی فضلی فرمانده تیپ سیدالشهدا(ع) بودند و از سنگر فرماندهی، گردان‌های عمل کننده را زیر نظر داشتند. بعد از این عملیات بود که تیپ ۱۰ سیدالشهدا(ع) تبدیل به لشکر شد.

چه خاطراتی از شهید اسکندرلو در این عملیات دارید؟

یادم است شهید اسکندرلو قبل از عملیات و در ساعت آخر شب برای رزمندگان سخنرانی کرد و گفت امشب شب عاشوراست. فردا تعداد زیادی از بین‌مان شهید می‌شوند، هر کس می‌خواهد از این جمع برود می‌تواند. آن شب حاج حسین روی خاکریز رفته بود و برای بچه‌ها سخنرانی می‌کرد. به همه آگاهی داد که فردا تعدادی از آنها نیستند و باید با علم بر اینکه شاید برگشتی در کار نباشد، وارد عملیات شوند. حرف‌های ایشان یادآور شب عاشورای حسینی و سخنان امام حسین(ع) بود که اصحابش را در رفتن یا ماندن صاحب اختیار کرد. آن شب حال و هوای عجیبی داشتیم. خط اول عراق را که همان شب شکستیم، من همراه ۱۰ نفر دیگر از خط اول عبور و برای گرفتن خط دوم به عمق پیشروی کردیم. بعد از اینکه از خط اول دشمن عبور کردیم، تیر مستقیم دشمن به گردن حاج حسین اسکندرلو اصابت کرد و شهید شد. رزمندگانی که چند ماه کنار رودخانه دز با هم بودیم مانند برادران شهید حمید و مجید درخشان، شهید مسعود مومنی که برادرش سال‌های قبل به شهادت رسیده بود، شهید دنیامالی و... آن شب شهید شدند. شهید شاهی هم معلم ورزش ما بود که آن شب آسمانی شد و تعداد زیادی هم مجروح دادیم.

با روشنایی هوا جنگ با تانک‌های دشمن شروع شد. تانک‌های عراقی به نیروهای خط اول ما هجوم آوردند و اینجا هم شهدای زیادی دادیم و من هم در تداوم عملیات زخمی شدم.

سخن پایانی.

ما در خانواده‌مان چهار برادر بودیم که از میان برادران سه نفرمان توانستیم به جبهه برویم. برادرم دکتر حسین رحیم منفرد و برادر بزرگ‌تر از ایشان حاج علیرضا رحیم منفرد مدتی در جبهه بودند. من بعد از مجروحیتم درسم را ادامه دادم، وارد دانشگاه شدم و دکترای پزشکی گرفتم. بعد از آن وارد صنعت شدم. الان با برادرانم شرکتی داریم که در زمینه قطعات موتورسیکلت فعالیت داریم. گاهی یادم می‌رود مجروحیت بدنی دارم. ۵۰ درصد جانبازی دارم اما هیچ گاه مشکلات جسمی باعث عدم فعالیتم نشده است. با اینکه حدود ۱۶ سال عصا به دست راه می‌روم. در تمام این سال‌ها همیشه به دوران رزمندگی‌ام افتخار کرده‌ام، چراکه جنگ ما دفاع از کشور و آرمان‌های‌مان بود و خدا را شکر که توانستیم در این آوردگاه تاریخی ادای دین کنیم.

شهید اسکندرلو قبل از عملیات و در ساعت آخر شب برای رزمندگان سخنرانی کرد و گفت امشب شب عاشوراست. فردا تعداد زیادی از بین‌مان شهید می‌شوند، هر کس می‌خواهد از این جمع برود می‌تواند. آن شب حاج حسین روی خاکریز رفته بود و برای بچه‌ها سخنرانی می‌کرد. به همه آگاهی داد که فردا تعدادی از آنها نیستند

شهید اسکندرلو نفر دست بر سینه. اولین نفر از راست شهید عباس کریمی

بعد از اینکه از خط اول دشمن عبور کردیم، تیر مستقیم دشمن به گردن حاج حسین اسکندرلو اصابت کرد و شهید شد. رزمندگانی که چند ماه کنار رودخانه دز با هم بودیم مانند برادران شهید حمید و مجید درخشان، شهید مسعود مومنی که برادرش سال‌های قبل به شهادت رسیده بود، شهید دنیامالی و... آن شب شهید شدند

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۷۲۲۰

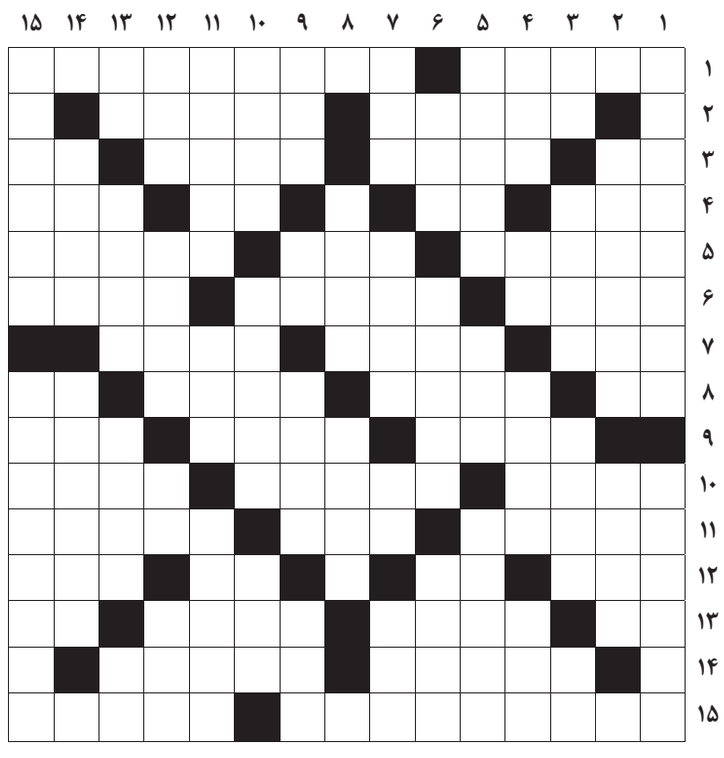

از راست به چپ

■ ۱-جداشده-وقت وبی وقت ■ ۲-بانگ، آواز بلند-کنایه از شجاع ونترس ■ ۳-درون صدف-حرکات نمایشی ورزشی رزمی-درنگ وتاخیر کردن-دشنام ■ ۴-کهنسال-برکت وفزونی نعمت-گل سرخ-عیب وننگ ■ ۵-بیماری‌ای که درآن سلول‌ها توان گرفتن گلوکز از خون را ندارند-پستاندار دریایی -لقب امریکایی ■ ۶-مشک خالص-دوری از یار ودیار-واحدبازی ورزش مشت‌زنی ■ ۷-رشته معدنی-آشوب وفتنه-ازسبزی‌های خوردنی ■ ۸-حرف دهن کجی-جاویدوپیوسته-نامی که ژرمن ها درزمان امپراتوری برای کشور خود انتخاب کرده بودند-اسم آذری ■ ۹-از نام‌های خدا-مردد بودن-گناه ■ ۱۰-مانند و شبیه-اثر ژان پل سارتر، فیلسوف فرانسوی-هدیه و پیشکش ■ ۱۱-جمع مال -ذریه و دودمان-تنها رود قابل کشتیرانی ایران ■ ۱۲-آتش-دریای عرب-خون-اقتصاد کوچ نشینی وابسته به آن است ■ ۱۳-حشره جهنده-اطلاعات رایانه ای-اولین زائر امام حسین-مکان و آشیان ■ ۱۴-تاولی که در کنار لب یادرمخاط دهان پدید می آید-سرزمین دلاورخیز استان بوشهر ■ ۱۵-از ایالات مهم ایالات متحده-اضطراب وتشویش

از بالا به پایین

■ ۱-مداراکردن با مردم-پایتخت تایلند ■ ۲-بررسی وتفحص-ماهی فروش ■ ۳-طاقچه بالا-پیک کاغذی-قاضی ورزشی-تپه وپشته ■ ۴-قسمت بالای ران-پایتخت آلمان غربی سابق- پسرش از دانشمندان بنام ایران بود-واحداندازه گیری آب رودخانه ■ ۵-رفتن به مکان مقدس-تند و تیز-صاحب منصب قزاق که به امرمحمدعلی شاه مجلس شورا را بمباران کرد ■ ۶-آینده-استانی درافغانستان-مسیرحرکت سیارات ■ ۷-همراه شاهزاده مارک تواین-بودن وهستی-پول ژاپن-ملکه تروا ■ ۸-سنگ سخت-رفیق شفیق ■ ۹-عدد یک رقمی-تو ومیان چیزی-قاعده وترتیب-سایرودیگری ■ ۱۰-هوس باردار-ترکیبی ازجوهرنمک وآمونیاک که ازآن درصنعت برای سفیدکاری و لحیم کاری استفاده می شود-عقاب سیاه ■ ۱۱-ساخته شده از برنز-چاهی درجهنم-کمی ونقصان ■ ۱۲-دستی-زیرک وهوشیار-ویتامین ضدخونریزی-پول خرداسپانیا ■ ۱۳-مظهر لطافت درطبیعت-دشمنی ولجاجت-آشناوماهر-راه میان بر ■ ۱۴-نوعی الکتریسیته-همسرگزینی ■ ۱۵-دورگه در اصطلاح زیست شناسی-استعداد ذاتی

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

						۹		۵
	۵			۳				
۸	۹			۶				۷
		۴			۲	۳		۹
		۸				۲		
		۷			۴			
۷			۸					
			۱				۶	
۲							۱	

جدول کلمات متقاطع
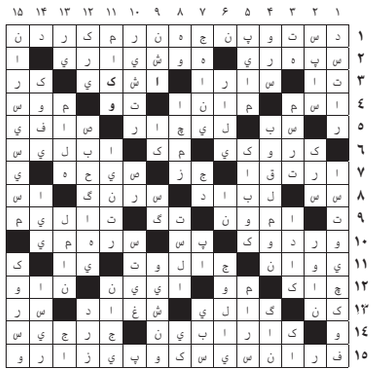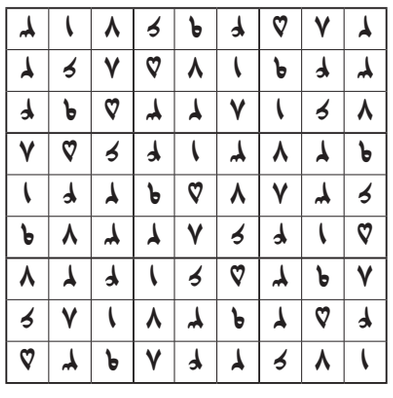
پاسخ جدول شماره ۷۲۱۹